

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۲ اپریل ۲۰۱۹

گرامی باد خاطره جاودان جانباختگان پرافتخار
اسفند ماه [حوت] چریکهای فدائی خلق ایران



در سحرگاه ۱۱ اسفند [حوت] سال ۱۳۵۰، میدان چیتگر از خون انقلابی ترین پیشگامان جنبش کمونیستی ایران گلگون شد. رفقاء: مسعود احمد زاده، عباس مفتاحی، مجید احمد زاده، اسدالله مفتاحی، حمید توکلی و غلامرضا گلوی توسط دشمنان خلق به تیرک های اعدام بسته شدند و رگبار مسلسل های جیره خواران امپریالیسم، بدن آنان را مشیک کرد. در

ادامه این جنایت، روز بعد نیز رفقاء بهمن آژنگ، مهدی سوالونی، سعید آریان و عبدالکریم حاجیان سه پله تیرباران شدند. همه این رزمندگان کمونیست با فداکاری های شان و با دست زدن به مبارزه مسلحانه، آسیب پذیری امپریالیسم و سگان زنجیری شان را به کارگران و زحمتکشان نشان دادند و بذری آگاهی را در میان آنان افشاندند. خون رفقاء، نهال انقلاب را آبیاری کرد و افق روشن فردا را در مقابل چشمان میلیون ها ستمدیده در بند قرار داد.

در میان این شهداء، دو تن از بنیان گذاران سازمان ما، رفقای کبیر مسعود احمدزاده و عباس مفتاحی جایگاه ویژه ای داشتند. آنان نه فقط در زندگی سراسر مبارزه و در میان جمع رفقای سازمان، با اعمال و رفتارهای انقلابی خویش شایستگی خود را به عنوان رهبران کمونیست ایران ثابت کرده بودند، بلکه این را در هنگام اسارت، در زیر شکنجه های وحشیانه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه نیز به ثبوت رساندند. مقاومت های حماسی عباس و مسعود در زیر شکنجه های شهربانی و ساواک رژیم شاه، بیانگر اصالت سازمان کمونیستی چریک های فدائی خلق بود؛ سازمانی که رهبرانش آن چنان که می بایست در تمام حوزه ها و زمینه های زندگی مبارزاتی سمبل کمونیسم بودند.

لبخند های عباس در زیر ۲۶ روز شکنجه مداوم، بیانگر لبخندهای خلقی بود که پس از سالها تحمل سختی و رنج و مرارت اینک در وجود عباس دستیابی به "راه" پایانی برای همه رنج های خویش را می دید. این لبخندها، لبخند های شادی خلقی بود که حال می توانست از زبان یکی از شاعران انقلابی اش رفیق مرضیه احمدی اسکوئی فریاد بزند: "راه در پیش پای ماست". در سازمان ما رفیق عباس عمدتاً نقش سازماندهی را به عهده داشت و او با سخت کوشی خود، رفقای بسیاری را به سازمان جلب نموده و به سازماندهی آنان پرداخته بود. رفیق عباس به حق سازمانده کبیر سازمان ما بود.

رفیق مسعود تئورسین کبیر چریک های فدائی خلق و چهره برجسته جنبش نوین کمونیستی ایران است. آن چه را که رفیق مسعود تئوریزه نموده، بیانگر اهداف و آرمانهای طبقه کارگر ایران بود، طبقه ای که به عنوان پیشروترین و انقلابی ترین طبقه ایران، زیر شدید ترین فشارها و ستم های امپریالیستی قرار داشت و می رفت تا جایگاه ویژه خود را در انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی ایران کسب نماید. مسعود تجسم آگاه این طبقه و مظهر اراده خلقی بود که سالها در زیر اسارت امپریالیستی خشم خود را فرو خورده و اینک می بایست راهی را که چریک های فدائی خلق و در پیشاپیش آنان رفیق مسعود کبیر برای رسیدن به آزادی بر سر راهشان قرار می داد با شور و امید و فداکاری بی نظیری بهپیمایند. رفیق مسعود در شرایطی که روشنفکران به اصطلاح مارکسیست ایران با هوچیگری ها و درازگویی های بی پایان با الگوبرداری از انقلابات کشور های دیگر هر یک نسخه ای برای انقلاب ایران تجویز می نمودند و به اصطلاح مارکسیست هائی بودند که بدون آن که به مارکسیسم مسلح باشند به آن لم داده بودند، در سایه کار خستگی ناپذیر و شبانه روزی خود و یارانش و در پرتو دانش غنی مارکسیستی اش توانست مارکسیسم - لنینیسم را بر شرایط ایران انطباق داده و تئوری ظفرنمون انقلاب ایران یعنی تئوری مبارزه مسلحانه را تدوین نماید.

در شرایطی که افق پیروزی، تاریک و دست نیافتنی می نمود، رفیق احمد زاده و یارانش فصل نوینی را در مبارزات خلق گشودند و با عمل انقلابی خویش توده های ستمدیده خلق، کارگران و زحمتکشان را به قدرت واقعی شان واقف گرداندند. آن ها انقلابیونی بودند که به پیروزی می اندیشیدند و اعتقاد راسخ داشتند که مبارزه ای که آغاز نموده اند، رودی است که به دریای توده ها خواهد پیوست و در سیل خروشان مبارزات خلق جاری خواهد شد و جزیره ثبات آریامهری را در خود فرو خواهد برد؛ و این چنین بود که خون آن ها ضامن حقانیت راهشان شد.

چریک های فدائی خلق و در بین آنان شهدای گرانقدر ۱۱ اسفند[حوت] با اعتقاد عمیق به پیروزی محتوم کارگران و زحمتکشان بود که به عرصه مبارزه با دشمن شتافتند و در شرایطی که پیروزی بسیار دور دست می نمود از فکر

رسیدن به آن لحظه ای باز نمانده و در درستی راه شان کوچکترین شکی نکردند. سخنان رفیق حمید توکلی که در بیدادگاه های آریامهری می خروشید که "من یک کمونیستم و در راه تحقق آرمان هایم برای نابودی بساط حکومت ننگین شما سلاح به دست گرفتم" حاکی از ایمان و امید نسلی از مبارزان مسلح بود که در عرصه سترگ پیکار طبقاتی در مقابل دشمنی که شکست ناپذیر می نمود، سر فرود نیاوردند. آنان روحیات و کوتاه نظری های روشنفکران اخته و تهی مغز را که تنها شکست ها و نشیب های مبارزاتی را می دیدند و بر تأثیرات شگرف جریان انقلاب چشم نمی گشودند، به مسخره گرفتند و آگاهانه و با عزمی آهنین در راهی که ایمان داشتند به رهائی کارگران و ستمدیدگان می انجامد گام گذاشتند. چنین برخورد و رفتار انقلابی است که امروز باید راهنمای حرکت هر انقلابی و مبارزی باشد که قلبش برای کارگران و زحمتکشان می تپد. در شرایطی که رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی در جهت تأمین منافع اربابان امپریالیستش ، ۳۹ سال است که تسمه از گرده مردم ما کشیده و با زبانی جز زبان زور با مردم سخن نمی گوید وظیفه هر انقلابی و آزاده ایست که هم چون پیشتازان جنبش کمونیستی با عزمی راسخ به پیروزی کارگران و زحمتکشان و نابودی سلطه امپریالیست ها و دست نشاندهان شان به مبارزه برخیزد و با تکیه بر تجربیات پیشگامان جنبش مسلحانه به راه رفقاء احمد زاده ها و مفتاحی ها تداوم بخشد. راهی که سرانجام مردم ما را به آزادی و سوسیالیسم رهنمون خواهد کرد.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۳۶ ، اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۷